

فصلنامه علمی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره شاپا: 1735-739X

دوره ۱۴، شماره ۲ (پیاپی ۷۲)، زمستان ۱۴۰۱

Doi: 10.29252/piaj.2022.226669.1239

صفحات: ۱۱-۳۹

## دولت‌های کوچک نوردیک؛ سیاست‌های امنیتی در پرتو گذارهای محیط بین‌الملل

رضارحمتی\*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۲

### چکیده

پنج دولت نوردیک، به‌عنوان دولت‌های کوچک تعریف شده‌اند. شناخت اولویت‌های امنیتی و چالش‌های پیش روی این دولت‌ها از اهمیت بسیاری برخوردار است. کشورهای نوردیک، سطح همبستگی بسیار قوی دارند. اسکاندیناوی‌ها به لحاظ استراتژیک هم در اروپا تأثیرگذار هستند و هم موقعیت منحصر به فردی در شمالگان دارند. مسائل امنیتی این دولت‌ها پیچیدگی‌های خاصی دارد. سوالی که در این جا مطرح است این است که دولت‌های کوچک نوردیک، چگونه سیاست‌های امنیتی خود را در پرتو گذارهای امنیتی بین‌المللی طراحی کرده‌اند؟ در پاسخ، به سیاست‌های پناه‌گاه امن، بی‌طرفی، اتحادها، دنباله‌روی، استراتژی موازنه‌سازی و پوشش خطر (ریسک) به‌عنوان استراتژی‌های امنیتی دولت‌های کوچک نوردیک در مواجهه با گذارهای امنیتی محیط بین‌الملل (از جمله گذارهایی شبیه به فروپاشی نظم دوقطبی، گذار به محیط امنیتی جدید بعد از سال ۲۰۰۱، گذار در پرتو محیط امنیتی شرق اروپا) اشاره خواهد شد. به منظور نیل به این فرضیه، روش پژوهش حاضر به لحاظ هدف، توسعه‌ای و به لحاظ روش، توصیفی-تحلیلی و به لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی: اسکاندیناوی، نوردیک، دولت کوچک، سیاست امنیتی، سوئد، نروژ، دانمارک.

## مقدمہ

روابط بین الملل یک حوزه مطالعاتی دولت محور و قدرت محور محسوب می شود. با این حال دولت های موجود در روابط بین الملل، صرفاً دولت هایی که اندازه قدرت آن ها بزرگ است، نیستند و در عین حال، سیاست بین الملل و محیط بین الملل نیز تنها متأثر از رفتار دولت های بزرگ و ابرقدرت نیست. در گستره اروپایی، اغلب این موضوع مورد توافق فراگیر قرار گرفته است که دولت های بزرگی هم چون فرانسه، آلمان و انگلستان هستند که سیاست های امنیتی و راهبردی را راهبری و تعیین می کنند. این در حالی است که بخش قابل توجهی از دولت ها، از نظر اندازه جزو طبقه بندی دولت های کوچک به شمار می روند. این دولت ها، اگرچه کوچک، اما برخی از آن ها در مناسبات بین المللی بسیار پرنفوذ هستند. نفوذ قدرتمند نوردیک در زمینه غیرنظامی جزو همین مسائل است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است (Jakobsen, 2008: 81). برخی از این دولت های کوچک حتی در برخی از حوزه ها "ابرقدرت" محسوب می شوند؛ تحت عناوینی شبیه به "ابرقدرت های اخلاقی" (آرتز، ۱۴۰۰: ۴۷۹-۴۴۷).

این دولت ها اگرچه به سبب اندازه، کوچک هستند، اما در برخی از زمینه ها و البته به سبب تأثیر دولت های جهانی محسوب می شوند، نقش های بین المللی را بازی می کنند و رسالت های جهانی را انجام می دهند. همچنین از نظر نفوذ نیز در تغییر وضعیت های بین المللی دخالت دارند، هنگامی که این دولت ها به صورت مقایسه ای و در مواجهه با بحران های بین المللی مورد بررسی قرار می گیرند، نقش و نفوذ آن ها به گونه ای است که شاید دولتی با جمعیتی نزدیک به یک میلیارد و وسعت سرزمینی بسیار گسترده نیز از چنین نفوذی برخوردار نباشد. دولت هایی که یک محیط امنیتی جاذب، را به وجود آورده اند (Rahmati, 2020: 151) و متأثر از سنت های اجتماعی منحصر به فرد هستند (Rahmati, 2021: 195) و حتی مجموعه امنیتی مشترکی را تجربه می کنند (Rahmati, 2019: 140). با این حال، سیاست های امنیتی این دولت ها، استراتژی های امنیت ملی و بین المللی این کشورها، و انتخاب های آن ها در مواجهه با مخاطرات و بحران های بین المللی، موضوعی است که ضریب تأثیر این دولت ها را نسبت به سایر دولت ها (منظور دولت های بزرگ و ابرقدرت ها) متمایز می سازد.

سوالی که در این جا مطرح است این است که دولت های کوچک نوردیک، چگونه سیاست های امنیتی خود را در پرتو گذارهای امنیتی بین المللی طراحی کرده اند؟ در پاسخ، به سیاست های پناه گاه امن، بی طرفی، اتحادها، دنباله روی، استراتژی موازنه سازی و پوشش

خطر (ریسک) به‌عنوان استراتژی‌های امنیتی دولت‌های کوچک نوردیک در مواجهه با گذارهای امنیتی محیط بین‌الملل (از جمله گذارهایی شبیه به فروپاشی نظم دوقطبی، گذار به محیط امنیتی جدید بعد از سال ۲۰۰۱، گذار در پرتو محیط امنیتی شرق اروپا) اشاره خواهد شد. به منظور نیل به این فرضیه، روش پژوهش حاضر به لحاظ هدف، توسعه‌ای و به لحاظ روش، توصیفی-تحلیلی و به لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای است.

### پیشینه پژوهش

آثار متعددی در خصوص استراتژی‌های امنیتی نوردیک‌ها به رشته تحریم در آمده و هر یک از نقطه نظری خاص به دولت‌های کوچک توجه داشته‌اند، برخی از این آثار از نقطه‌نظر منطقه‌سازی، برخی از نقطه‌نظر نقش و نفوذ این دولت‌ها، برخی با توجه به محدودیت‌های ساختاری و کارکردی و ... به رشته تحریر در آمده‌اند. دیوید آرتر (Arter, 2002: 677) از منظر منطقه‌سازی در اروپای نوردیک، به‌ویژه با تمرکز بر ابتکار بعد شمال (NDI) که در سال ۱۹۹۷ توسط فنلاند راه‌اندازی شد به استراتژی امنیتی دولت‌های کوچک نگریسته است. لوسی تونگول (Tungul, 2008: 5) از نقطه نظر نقش و نفوذ و همچنین سیاست امنیتی دولت‌های کوچک نگریسته و بر آن است که دولت‌های کوچک پتانسیل افزایش قدرت خود را در سطح بین‌المللی مورد ملاحظه قرار می‌دهند. برای مثال فنلاند با استراتژی ابتکار بعد شمال (NDI) نمونه‌ای نسبتاً روشن از این موضوع است که چگونه دولت‌های کوچک، می‌توانند با موفقیت از پتانسیل ائتلافی خود برای پیگیری سیاستی استفاده کنند که آن‌را بخشی از منافع کلیدی خود می‌دانند.

پتر ویگویاکوبسن (Jakobsen, 2008) نیز با توجه به نفوذ عمده و بزرگی که دولت‌های کوچک داشته‌اند، نوردیک‌ها را در اتحادیه اروپا و در پروژه‌هایی شبیه به سیاست دفاعی و امنیتی اروپا (ESDP) مورد بررسی قرار داده است و بر شهرت این دولت‌ها به‌عنوان پیش‌رو تأکید داشته است و بر نقش آن‌ها به‌عنوان تعیین‌کننده دستور کارهای ESDP و پیش‌ران‌های اصلی اتحادیه اروپا به‌عنوان “رهبر جهانی” در مدیریت بحران غیرنظامی در سر دوره‌های متمادی تأکید کرده است. ابومحمد عسگرخانی و رضا رحمتی (عسگرخانی و رحمتی، ۱۳۸۹: ۲۱۳-۲۴۲) نیز به انتخاب‌های استراتژیک قدرت‌ها اشاره کرده و با توجه به ادبیات نواقعی‌گرای و التز به انتخاب‌های استراتژیک قدرت‌ها توجه داشته‌اند. اما تمرکز این اثر بر روی انتخاب‌های قدرت‌ها مستقل از کوچک‌بودگی یا بزرگی بوده است.

دنا لوسا (Luša, 2021: 5) نیز نقش دولت‌های کوچک را بر اساس بحران مهاجرت

در سطح اروپا مورد بررسی قرار داده است و با استفاده از مطالعه موردی به سه چالش عمده کشورهای کوچک اتحادیه اروپا در این خصوص توجه داشته است؛ مسئله حاکمیت، فقدان سیاست شفاف اتحادیه اروپا و تقسیمی که بین کشورهای آسیب‌پذیرتر وجود داشته است. بولداری تورهالسن (Thorhallsson, 2017: 35) در فصلی از کتاب دولت‌های کوچک در جهان قانونی، به بررسی روش‌ها و ابزارهایی می‌پردازد که دولت‌های کوچک می‌توانند از آن‌ها برای تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری در اتحادیه اروپا و شورای امنیت سازمان ملل متحد استفاده کنند. دولت‌های کوچک برای غلبه بر ضعف‌های ساختاری، باید محدودیت‌های خود را بپذیرند، اراده سیاسی برای اعمال نفوذ، تعیین اولویت‌ها، توسعه مهارت‌ها و دانش دیپلماتیک، ایجاد تصویر مثبت، ایجاد ائتلاف، ابتکار عمل و بهره‌برداری از ویژگی‌های خاص خود را داشته باشند.

با وجود این اما استراتژی‌های امنیتی دولت‌های کوچک کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است، از جمله معدود آثاری که در این زمینه به رشته تحریر در آمده است، "استراتژی‌های امنیتی دولت‌های کوچک در جهان در حال تغییر" نوشته زویل ماریا و ایسکائوسکایت (Vaicekauskaitė, 2017: 7-15) است چگونگی رفتار دولت‌های کوچک را در محیط امنیتی در حال تغییر و نوع مواجهه آن‌ها را با تنش‌های قدرت‌های بزرگ‌تر در همسایگی خود مورد بررسی قرار می‌دهد. با این حال این، اثری که بر روی سیاست‌های امنیتی دولت‌های کوچک نوردیک در پرتو گذارهای امنیتی جدید متمرکز شده باشد، مورد پژوهش قرار نگرفته است.

## چارچوب مفهومی و نظری دولت کوچک

"هیچ اجماعی در خصوص تعریف دولت‌های کوچک وجود ندارد". علاوه بر این، برای مفاهیمی شبیه به "دولت خرد<sup>۱</sup>" و "دولت ریز<sup>۲</sup>" نیز تعریف مورد توافقی وجود ندارد (Rapaport et al., 1971: 29, in: Maass, 2009: 71). درست تا قرن بیستم، در زبان‌های اروپایی دولت‌ها به صورت متداولی به‌عنوان "قدرت‌ها" مورد استناد قرار می‌گرفتند (در فرانسه پویسانس<sup>۳</sup>، در

1. Microstate
2. Ministate
3. Puissance

آلمانی ماخت<sup>۱</sup>، در روسی درژاوا، اسپانیایی / پرتغالی پودر<sup>۲</sup> و غیره). با این حال این اسم، اکنون برای گروه‌بندی متفاوتی از دولت‌ها با نام "قدرت‌های بزرگ" مورد استفاده قرار می‌گیرد و برای گروه‌بندی دولت‌های کوچک، کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

همان‌طور که به‌وسیله نیومن و گستول اشاره شده است (Neumann and Gstöhl, 2006: 3)، "در حقیقت، دولت‌های کوچک بسیار متعدد هستند و گاهی اوقات به‌صورت انفرادی، اما مشخصاً به‌صورت دسته‌جمعی - بسیار مهم هستند و نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت. (Wiveland Baldacchino, 2020: 2). در مجموع، می‌توان به سه دسته از تعاریف پیرامون دولت کوچک دست یافت. نخست؛ تعاریف قابلیت‌محور هستند. دوم؛ تعاریف محیط‌محور هستند و سوم؛ تعاریف ادراک‌محور هستند.

### الف. تعاریف قابلیت‌محور

در دسته‌بندی تعاریف قابلیت‌محور، مولفه‌هایی شبیه به اندازه، کمیت قدرت اقتصادی، جمعیتی، محیط جغرافیایی یا سرزمین، مورد توجه است. برای مثال پایگاه مشترک المنافع، دولت‌های کوچک را به‌عنوان کشورهایی با ۱/۵ میلیون نفر جمعیت یا کمتر، کشورهایی با یک جمعیت بیشتر، اما ویژگی‌های مشابه کشورهای دارای جمعیت کمتر، تعریف می‌کند (Commonwealth, 2022). حقوق بین‌الملل عرفی و کنوانسیون ۱۹۳۳ مونته‌ویدئو<sup>۳</sup> معیاری را که امروزه به‌طور کلی پذیرفته شده، برای دولت شدن ارائه می‌دهند: (الف) دارای یک قلمرو تعریف‌شده، (ب) دارای جمعیت دائمی، (ج) دارای یک حکومت تحت کنترل و (د) تمایل به مشارکت در روابط بین‌الملل (Dixon, 2005, pp. 105–108). با این حال برخی متداول‌ترین معیار معرفی دولت‌های کوچک را اندازه جمعیت می‌دانند که بسیاری از مطالعات معاصر از این معیار استفاده می‌کنند (Charles et al, 1997; Kisanga and Dancie, 2007). به‌عنوان مثال موریس ایست مطرح کرد که دولت‌های کوچک بر اساس جمعیت، مساحت زمین، اندازه اقتصاد و ارتش آن‌ها تعریف می‌شوند (East, 1975, p. 160). بیورنه اولافسن نیز از معیار جمعیت دولت، اندازه جغرافیایی آن، و تولید ناخالص ملی (GNP) برای بررسی دولت‌های کوچک استفاده می‌کند (Olafsson, 1998, pp. 8–10).

1. Macht

2. Poder

3. 1933 Montevideo Convention

بر اساس این تعریف، اغلب موقعیت دولت‌های کوچک، در تضاد با موقعیت دولت‌های مرکزی، به‌عنوان مفہومی پیرامونی توضیح داده می‌شود. آن چنان کہ کریستوفر برونینگ<sup>۱</sup> متذکر شده است، ”اندازہ به‌صورت عمومی با ظرفیت و نفوذ در ارتباط بوده است. در حالی کہ بزرگ بودن با قدرت در ارتباط وثیق است، کوچک بودن به‌عنوان یک معلول برای کنش دولت و حتی بقا، در نظر گرفته شده است“ (Browning, 2006: 669). بنابراین رفتار دولت‌های کوچک پیامدی از اندازہ آن‌ها محسوب می‌شود. بر این اساس، دولت‌های کوچک نمی‌توانند شرایط سیاست‌گذاری در محیط بین‌المللی را تغییر دهند و بنابراین قدرت جو خواهند بود.

### ب. تعاریف محیط محور

برخی مطالعات بر روی اهمیت مسائل امنیتی و دفاعی برای تشریح دولت‌های کوچک تمرکز می‌کنند: ”عصر کلیدی تعیین‌کننده تعریف ”دولت کوچک“ صرفاً اندازہ سرزمین، جمعیت و اقتصاد نیست. در عوض کسی می‌تواند وابستگی شدید ”دولت‌های کوچک“ برای ترتیبات امنیتی و دفاعی خود به یک بازیگر جهانی قدرت‌مند و توان‌مند نظامی یا به یک سازمان امنیتی و دفاعی کہ در آن چنین بازیگری نقش برجسته‌ای ایفا می‌کند، را مورد تأکید قرار دهد. در این پرتو، موضوع کلیدی در تعیین اینکه آیا دولت ”کوچک“ است، پرداختن به مسائل کلیدی امنیتی و دفاعی است (Rublovskis, Šešelgyte and Kaljurand, 2013: 14). بر اساس این تعریف، اندازہ ظرفیت نیروهای مسلح، اندازہ و توانایی کل بخش امنیتی دولت، اندازہ بودجه دفاعی - هم از نظر پول و به‌عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی (GDP) - نیز تعیین خواهد کرد کہ آیا دولت می‌بایست از منظر امنیتی و دفاعی ”کوچک“ تلقی شود یا خیر. علاوه بر این می‌توان بر نقش مولفه‌های خارجی در شکل دادن به ذهنیت امنیتی دولت کوچک توجه کرد.

بر اساس این تعاریف علاوه بر اندازہ قدرت اقتصادی، سرزمینی و نظامی، به نسبت نقش و نفوذ در محیط سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی، نسبت عملکرد فعالانہ در امنیت بین‌المللی و محیط‌های متفاوت بین‌المللی، بزرگی و کوچکی دولت را می‌توان تعریف کرد. در این تعریف ادعا این است کہ دولت‌های کوچک شبیه به هر دولتی، می‌خواهند ”محیط بین‌المللی خود

1. Christopher Browning

را بازساختار بندی کنند<sup>۱</sup>، اما برخلاف دولت‌های بزرگ‌تر، دولت‌های کوچک برای حفظ چنین تلاشی عاجز هستند (Vital, 1971, pp. 9–10). در این جا اندازه دولت وابسته به الگوهای رفتاری خاص، است. بنابراین “کوچک بودن” به‌عنوان یک عبارت سیاسی در نظر گرفته می‌شود و دولت کوچک را در محیط بین‌المللی، در حال ایجاد یک تعریف دقیق و بستر مند از این موضوع مورد تحلیل قرار می‌دهد، به این دسته از تعاریف، تعاریف کیفی<sup>۱</sup>، نسبی<sup>۲</sup>، نیز گفته می‌شود (Maass, 2009: 77, 80).

بر اساس این تعریف “دولت کوچک، قدرت بزرگ یا دولت بزرگ نیست”. بر اساس این تعریف ساده، دولت‌هایی که ضعیف‌تر از رقبای بزرگ خود در نظم‌سازی بین‌المللی هستند یا در شکل دادن به قواعد نظام بین‌الملل به اندازه رقبا قدرت ندارند، یا در تغییر معادلات امنیتی کم‌توان‌تر هستند، دولت‌های کوچک محسوب می‌شوند. همین “ضعیف بودن” سبب شده است تا “دولت کوچک، دولتی باشد که نه در مقیاس جهانی و نه در مقیاس منطقه‌ای قادر به تحمیل اراده سیاسی خود یا حفظ منافع ملی خود با اعمال سیاست قدرت نیست” (Jaquet, 1971). با این حال در این تعریف یک دوگانگی دولت کوچک/دولت بزرگ قابل مشاهده است که به‌نظر می‌رسد گروه بندی‌های هر دو طرف این دوگانه را “همسان” در نظر گرفته است.

این در حالی است که دولت‌های کوچک نه تنها با دولت‌های بزرگ متفاوت هستند، بلکه بین خودشان نیز متفاوت هستند. با وجود داشتن ویژگی‌های مشابه، خود دولت‌های کوچک لزوماً سیاست خارجی، سیاست امنیتی، چشم‌انداز حکمرانی و مناسبات مشابهی را دنبال و تجربه نمی‌کنند. تفاوت‌هایی در برداشت‌ها، شرایط داخلی و بین‌المللی، علائق و انگیزه‌های آن‌ها در پشت تصمیم‌های آن‌ها وجود دارد که در نتیجه استراتژی‌های سیاست خارجی متنوعی در بخش‌های مختلف جهان از طرف آن‌ها ایجاد می‌شود (Gigleux, 2016).

بر اساس تعاریف محیطی، عبارت “کوچک بودن” در برابر “بزرگ بودن” بی‌معنی است. پانکه معتقد است که اندازه، اساساً یک مفهوم رابطه‌ای است. بزرگ یا کوچک تنها زمانی معنا پیدا می‌کند که یک بازیگر یا شی را نسبت به دیگری در بستر خاصی مشخص کند. از این رو کوچک‌بودگی، هنگامی به‌عنوان یک معیار مورد توجه خواهد بود که ظرفیت‌های مربوطه کمتر از میانگین در محیط مذاکره‌ای معین، داشته باشد. بنابراین، برای مذاکرات اقتصادی، هم‌چون سازمان تجارت جهانی،

1. quantitative

2. 'relative'

کشورهای کوچک، کشورهایی هستند که تولید ناخالص داخلی (GDP) آن‌ها کمتر از متوسط باشد. در یک نظام رأی‌گیری وزن دار، هم‌چون اتحادیه اروپا در سیاست‌گذاری روزانه، دولت‌ها در صورتی که آرا کمتری از میانگین در شورای وزیران داشته باشند، کوچک قلمداد می‌شوند.

### ج. تعاریف ادراک‌محور

برخی نویسندگان بر اهمیت ادراک تأکید می‌کنند و بدین وسیله از معیارهای کیفی استفاده می‌کنند و بیان می‌کنند که دولت کوچک، دولتی است که خود را کوچک می‌بیند و دیگران آن را کوچک می‌دانند. ”هنگام مقایسه اندازه ادراکی اعضای نوردیک اتحادیه اروپا، کسی نباید بر تفاوت در اندازه ثابت آن‌ها، یعنی اندازه جمعیت آن‌ها تمرکز کند، بلکه باید بر روی این که چه عواملی، خودادراکی و دگرادراکی را در خصوص آن‌ها شکل داده است، تمرکز کند“ (Thorhallsson 2011: 212). بر اساس این دسته از تعاریف، دولت کوچک، مستقل از اندازه، اقتصاد، جمعیت، نقش و نفوذش در محیط سیاسی بین‌المللی و...، بر اساس ادراکی که نسبت به توانمندی آن در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی توسط سایر بازیگران صورت می‌گیرد، تعریف می‌شود. بنابراین، علاوه بر بر توانمندی، نیز که توسط رابرت کیوهین مطرح شده است (Keohane, 1969)، معیار ارزیابی ”کوچک‌بودگی“ دولت محسوب می‌شود.

جدول شماره (۱): تعاریف دولت کوچک<sup>۱</sup>

تعاریف دولت کوچک		
تعاریف قابلیت‌محور	تعاریف محیط‌محور	تعاریف ادراک‌محور
بر پایه اندازه کشور	توجه به مسائل امنیتی و دفاعی	ادراک خود نسبت به توانمندی آن
بر پایه کمیت قدرت اقتصادی	نسبت نقش و نفوذ در محیط سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی	ادراک دیگران نسبت به توانمندی آن
بر پایه شمار جمعیت	نسبت عملکرد فعالانه در امنیت بین‌المللی و محیط‌های متفاوت بین‌المللی	توانمندی امنیتی ادراک‌شده
بر پایه گستره جغرافیا یا سرزمین	قدرتی که در عمل اعمال می‌شود	توجه به معیارهای ذهنی

۱. این تقسیم‌بندی بر اساس استنباط نویسنده ترسیم شده است.



آن چه به عنوان وجه مشترک همه تعاریف مورد توجه است، وجود سه نکته مهم است؛ نخست این که چارچوب نظری منسجمی برای تحلیل دولت‌های کوچک وجود ندارد، دوم این که ویژگی‌های کمی/فیزیکی و جغرافیایی دولت‌های کوچک و عواملی شامل مساحت زمین، اندازه جمعیت، تولید ناخالص ملی، تولید ناخالص داخلی و درآمد سرانه، به همراه ویژگی‌های کیفی/ادراکی شبیه به درجه جداافتادگی<sup>۱</sup> و آسیب‌پذیری دولت‌ها توان تعریف دولت کوچک را دارند (Kurečić et al, 2017: 129-142) و سوم اینکه مخرج مشترک تعاریف را می‌توان به عنوان «خصوصیات» دولت‌های کوچک بر شمرد. دولت‌های کوچک عموماً به عنوان دولت‌هایی تعریف می‌شوند که گستره سرزمینی، جمعیت، اقتصاد و ظرفیت دیپلماتیک و نظامی کوچکی دارند.

با این حال حتی همین ویژگی‌ها نیز یکسان نیستند، چه این که در عصر اطلاعات و ارتباطات شبکه‌ای، اقتصاد و رفاه هیبریدی شده است، سرزمین، با وجود اهمیت خود، اما متأثر از فضای مجازی و مرززدایی قرار گرفته است، دیپلماسی، دیجیتالی شده است، قدرت و تهاجم سایبری جای تهاجم نظامی و ارتش‌های کلاسیک و متعارف را گرفته است و ... علاوه بر این، بر اساس نوع، تعریف، پیامدهای رفتاری دولت کوچک نیز متفاوت خواهد شد. اگر دولت کوچک قابلیت محور تعریف شود؛ پیامد رفتاری قدرتی جویی را به دنبال خواهد داشت، اگر محیط و بسترمند تعریف شود، امنیت جو و اگر ادراک محور تعریف شود، احترام طلب رفتار خواهد کرد.

جدول شماره (۲): پیامدهای رفتاری بر اساس نوع تعریف از دولت کوچک<sup>۲</sup>

پیامد رفتاری بر اساس نوع تعریف		
پیامد تعریف قابلیت محور	پیامد تعریف محیط محور	پیامد تعریف ادراک محور
قدرت جویی	امنیت جویی	احترام جویی

1. insularity

۲. ترسیم شده به وسیله نویسنده

## کسری نظریه پردازی؛ به سوی ویژگی‌های دولت‌های کوچک الف. کسری نظریه پردازی

در پنجاه سال گذشته گفت‌وگوهای مکتوب متعددی در خصوص نظریه‌پردازی پیرامون دولت‌های کوچک وجود داشته است، با این حال گفت‌وگوها خود یک "ابهام بنیادین مفهومی" را ایجاد کرده‌اند، که "مانع نظریه‌سازی و ساده‌سازی پیچیدگی‌های مفهومی و نظری شده است". از دیگر سو، بحث‌های تعریفی، یک زمین قابل کشتی را برای مطالعه تکثرگرای دولت‌های کوچک و بحث متداومی در خصوص معنی و پیامدهای کوچک بودن سیاست‌های در دست انجام، ارائه کرده است. به این معنا، مطالعه دولت‌های کوچک حتی می‌تواند به عنوان پیشرو و آوانگارد با پیش بردن و زمینه‌یابی مباحث متاخرتر در خصوص فضیلت گلچین‌گرایی و منافع تحلیل سطح میانه با تاکید بر مشکلات خاص و مهم جهان واقعی بر روی ابرنظریه‌سازی<sup>۱</sup> در نظر گرفته شود (Lake, 2013; Sil and Katzenstein, 2011).

در وهله نخست نظریه‌های لیبرال، در ارتباط با ارزیابی رفتار دولت‌های بزرگ هستند و از مطالعات سیاست قدرت بزرگ مشتق می‌شوند. ادبیات واقع‌گرایانه خصوصاً در تعبیر والتزی آن یعنی ساختارگرایی، با بیلیاردی قلمداد کردن محیط بین‌الملل، توان تشریح رفتار دولت‌های کوچک با اندازه اقتصاد، قدرت نظامی، قدرت جمعیتی، قدرت سرزمینی و سایر مولفه‌ها را از خود سلب می‌کند. با این حال سازه‌انگاری، رویکردی انتقادی نسبت به نظریه‌پردازی دولت کوچک دارد. انتقادات سازه‌انگاری بر این ادعا تمرکز دارند که یک نظریه جامع در خصوص سیاست بین‌المللی وجود ندارد، با این حال در عوض یک چارچوب برای تفکر کردن درباره حقایق اجتماعی وجود دارد. این خود بیان‌گر این است که هیچ درس ثابتی وجود ندارد که از سازه‌انگاری بتوان درباره دولت‌های کوچک گرفت، البته سازه‌انگاری نیز می‌تواند هم‌چون لیبرال‌ها و واقع‌گرایان، درباره دولت‌های کوچک بنا به رابطه بین‌الذهانی که برای شکل دادن به هویت دولت‌های کوچک قائل است، مورد توجه قرار گیرد، اما نمی‌تواند به‌نحو دقیق خصوصیات و انتخاب‌های آن‌ها را بررسی کند.

به‌منظور پر کردن این شکاف نظری، برخی از پژوهشگران با ی دولت‌های کوچک، قانون‌هایی را مشخص کرده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به اشاره کرد؛ از جمله می‌توان به پژوهشگرانی که در مرکز مطالعات دولت کوچک در ایسلند بر این موضوع تمرکز پژوهشی داشته‌اند، اشاره کرد که در تلاش برای ارزیابی بهتر گزینه‌های سیاست‌های دولت‌های کوچک و نتایج سریع برای دولت‌های کوچک بوده‌اند و الگوهای رفتاری آن‌ها را مورد توجه قرار داده‌اند. این تلاش‌ها می‌توانند چیزهای زیادی به ما درباره چالش‌ها و فرصت‌های مواجهه دولت‌های کوچک و الگوهای عمومی رفتار بگویند، با این حال نمی‌توانند به‌صورت کامل هر کنش صرف را که دولت کوچک اتخاذ می‌کند، توضیح دهند.

### ب. خصوصیات دولت‌های کوچک

یک سوم اعضای سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (NATO)، دولت‌های کوچک هستند. دولت‌های کوچک در گروه‌بندی تعریف می‌شوند که دولت‌های بزرگ یا متوسط در آن قرار نمی‌گیرند، به بیان بهتر، ضعیف بودن به‌عنوان مولفه‌ای برای تعریف دولت‌های کوچک رد شده است و فاصله بین کوچک و بزرگی با فاصله بین قوی و ضعیف بودن شناخته نمی‌شود. اولی فاصله کمی است و دومی یک فاصله کیفی است (Ingebristen, 2006: 16). برخی نیز هم‌چون نیومن و گستول از "حوزه‌های موضوعی"<sup>۱</sup> خاص برای دولت‌های کوچک صحبت کرده‌اند. یعنی دولت‌های کوچکی که قدرت ویژه‌ای دارند، مثلاً نفوذ سوئیس در بخش خدمات مالی یا عربستان سعودی و کویت در بخش نفت (Neumann and Gstöhl, 2004: 2).

به‌دلیل کثرت شمار دولت‌های کوچک و این‌که نیمی از اعضای سازمان ملل را در بر می‌گیرند، یافتن وجوه اشتراک بین آن‌ها به‌عنوان ویژگی‌ها و خصوصیات دشوار به نظر می‌رسد. هندرسن خصوصیات دولت‌های کوچک را به قرار زیر تعریف می‌کند: (۱) مشارکت پائین در امور بین‌المللی به‌علت منابع محدود؛ (۲) دامنه محدود؛ به‌دلیل منابع محدود که محدودسازی منافع سیاست خارجی و اندازه کوچک بروکراسی امور خارجی می‌شود و توانایی آن‌ها به‌منظور داشتن نقش گسترده بین‌المللی محدود می‌کند؛ (۳) تمرکز اقتصادی؛ به‌دلیل تمایلی که برای تمرکز منافع امور خارجی بر مسائل اقتصادی و تجارت صورت می‌گیرد؛ (۴) بین‌الملل‌گرایی؛ به این دلیل که دولت‌های کوچک تمایل به چندجانبه‌گرایی،

1. "issue areas"

سازمان‌های بین‌المللی، توافقات و اتحادها به منظور حراست از منافع ملی دارند؛ (۵) تاکید اخلاقی؛ چرا که دولت‌های کوچک تمایل به اخلاق‌گرایی دارند، با این حال هیچ منبعی برای پشتیبانی از لفاظی آن‌ها وجود ندارد و (۶) گرایش به اجتناب خطر (ریسک) و بیمناکی از اتحاد دولت‌های قدرتمند، این دولت‌ها به طور اتفاقی فکر می‌کنند که می‌توانند ریسک‌پذیر باشند (Brady, and Thorhallsson, 2018: 18-19).

به این ویژگی‌های هندرسون می‌توان موارد دیگری را نیز اضافه کرد؛ (۷) نقش‌های اخلاقی؛ یکی از نقاط ضعف اساسی دولت‌های کوچک این است که آن‌ها میل به بازی کردن نقش اخلاقی در روابط بین‌الملل هستند؛ (۸) استراتژی متنوع‌سازی محیط امنیتی؛ همه دولت‌های کوچک با محیط امنیتی جدیدی مواجه هستند و هم از این حیث متوسل به یک استراتژی زیرکانه و پیش‌گیرانه به منظور مواجهه با تهدیدات امنیتی می‌شوند؛ (۹) پناه‌جویی؛ این دولت‌ها همواره به دنبال یافتن پناه‌گاه راهبردی و امنیتی هستند؛ (۱۰) ناتوانی در تامین نیازهای امنیتی؛ در حقیقت دولت‌های کوچک از برآوردن نیازهای امنیتی خود و نیازهای منطقه‌ای که در آن به سر می‌برند عاجز هستند، هم از این رو، قدرت‌های کوچک به توانایی‌های نظامی کشورهای بزرگ‌تر وابسته هستند، چرا که تنها آن‌ها می‌توانند چارچوبی را فراهم کنند که کشورهای کوچک بتوانند با دارایی‌های موجود خود به آنان متصل شوند؛

(۱۱) چالش اخذ تضمین‌های امنیتی؛ به واسطه پناه‌جویی، دولت‌های کوچک همواره با چالش گرفتن تضمین و ایجاد روابط اقتصادی و روابط امنیتی با دوام مواجه هستند. سرپناه‌سازی هم به استقرار یک روابط دائمی کارکردی با شاخه‌های اجرایی و قانون‌گذاری حکومت ایالات متحده و هم ایجاد یک پلتفرم برای حمایت از منافع انتقادی مرتبط می‌شود؛ (۱۲) ناتوانی برای نظم‌سازی و نظام‌سازی؛ بسیاری از ویژگی‌های اصلی دولت‌های کوچک به راحتی با ناتوانی آن‌ها در حفظ طیف کاملی از قابلیت‌های نظامی و افزایش و نمایش توانایی‌های محدود آن‌ها برای طرح قدرت نظامی در مناطق نزدیک و دور در ارتباط است؛

(۱۳) نقش و نفوذ دولت‌های کوچک؛ دولت‌های کوچک معمولاً متمایل به ایفای نقش‌هایی شبیه به میانجی‌های دیپلماتیک، منطقه حائل<sup>۱</sup>، دولت حائل<sup>۲</sup>، دروازه ژئوپلیتیک و هات اسپات ژئوپلیتیک هستند؛ (۱۴) دولت‌های کوچک را می‌توان با سه مولفه قابلیت،

1. buffer zone  
 2. barrier state

نهادها و روابط شناسایی کرد. قابلیت دولت‌های کوچک نسبت به قدرت‌های بزرگ کمتر است. دولت‌های بزرگ مسئولیت‌های بزرگ‌تر نهادی دارند بدین معنی که مسئولیت آن‌ها در سطح نظام است و هم از این‌رو دولت‌های کوچک باید در پرتو مذاکرات قدرت بزرگ مورد مطالعه قرار گیرند. دولت‌های بزرگ روابط گسترده‌تر و مستقل‌تری دارند.

### جدول شماره (۳): خصوصیات دولت‌های کوچک

خصوصیات دولت‌های کوچک										
مشارکت پائین در امور بین‌المللی	دامنه محدود	تمرکز بر منابع اقتصادی	بین‌الملل‌گرایی	ریسک‌گریزی	تفش‌پذیری اخلاقی	متنوع‌سازی محیط امنیتی	پناه‌جویی	ناثوانی در تأمین نیازهای امنیتی	چالش اخذ تصمیم‌های امنیتی	ناوانی برای تنظیم‌سازی و نظام‌سازی
تلاش برای ایفای نقش و نفوذ بین‌المللی	قابلیت کم، مسئولیت نهادی کم	روابط کمتر مستقل‌تر								

### دولت‌های کوچک در محیط امنیتی جدید

این مسئله که دولت‌های کوچک تمایل دارند از چه استراتژی‌هایی برای بقا، ایمن‌سازی محیط و منافع امنیتی، الگوهای امنیتی و به‌صورت متسامحانه‌ای هدایت نظام بین‌المللی استفاده کنند، همواره مورد توجه بوده است، و از زمان پایان جنگ سرد به‌طور گسترده‌تری مورد بحث قرار گرفته است. تغییرات در نظام بین‌الملل، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی منجر به ایجاد بسیاری از کشورهای مستقل شده که به بازیگران جدیدی در روابط بین‌الملل تبدیل شدند. به‌وجود آمدن شمار فزاینده‌ای از کشورهای کوچک، سبب به‌وجود آمدن منافع فزاینده‌ای در محیط بین‌المللی و متعاقباً ظهور و انشاع الگوهای امنیتی دولت‌های کوچک شده است. بنابراین علاوه بر این که ضرورت شناخت چشم‌اندازهای ژئوپلیتیکی آن‌ها در فضای علمی ایجاد شده است، بررسی تأثیر رفتار آن‌ها در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی حائز اهمیت قلمداد شده است.

پایان جنگ سرد سبب ایجاد مناسبات جدید بین بازیگران و هویت‌های جدید سیاسی شده است، بازیگران و هویت‌هایی که مسائل، روابط و استراتژی‌های جدیدی را دنبال می‌کنند. از زمان پایان جنگ سرد، دولت‌های کوچک در اروپای مرکزی و شرقی از صلح و ثبات برخوردار بوده‌اند و

هیچ ترسی از تهاجم یا انقراض آن‌ها وجود نداشته است (Vaicekauskaitė, 2017: 7). با این حال به این دلیل که بیشتر دولت‌های کوچک به اندازه کافی قدرتمند نیستند که بتوانند به‌طور مستقل در چشم‌انداز امنیتی حرکت کنند، ضرورت توجه به انتخاب‌های راهبردی آن‌ها ضروری است (Inbar and Sheffer, 1997). هم‌راستا با این موضوع، جهانی شدن نیز به‌واسطه درهم‌تنیده کردن متغیرهای ملی، فراملی و فروملی، توانایی‌های اقتصادی، تجاری و سیاسی دولت‌های کوچک را مستقل از اندازه آن‌ها جهانی ساخته است. این موضوعات در کنار آزادسازی‌های تجارت بین‌المللی، سبب ارتباط بین قدرت‌های بزرگ و قدرت‌های کوچک شده است.

در چند سال اخیر نیز تحولات پرنشاطی در سیاست و نظام بین‌الملل رخ داده است؛ الحاق کریمه به روسیه در سال ۲۰۱۴، افزایش نگرانی‌های امنیتی ناشی از حمله به اوکراین، تهدیدات روسیه علیه سوئد، فنلاند، لهستان، رومانی و سایر کشورهایی که به‌نحوی منافع امنیتی روسیه را تحت الشعاع قرار داده‌اند. این موضوعات سبب تغییر در ارزیابی‌های راهبردهای امنیتی دولت‌های کوچک اروپایی شده است. هم از این‌رو، ایجاد معماهای جدید امنیتی، مسئله روسیه و ... ضرورت تغییر هندسه شکلی و محتوایی محیط راهبردی امنیتی این کشورها نیاز به فهم الگوهای ادراکی و رفتاری این دولت‌ها را پر اهمیت کرده است. اینک دولت‌های کوچک قابل مشاهده‌تر و برجسته‌تر از هر نقطه‌ای دیگر از تاریخ جهان هستند (Hey, 2003: 1). تأثیر ترکیبی سقوط امپراطوری‌ها، نظم‌های کلاسیک نظام بین‌الملل، خیزش ناسیونالیسم و تقویت معماری نهادی بین‌المللی، احترام‌طلبی و حاکمیت حقوق بین‌الملل و اصولی شبیه به برابری دولت‌ها به‌عنوان ابزاری برای اشاعه حقوق دولت‌های کوچک مورد توجه قرار گرفته است. مجموعه‌ای از تحولات، فشار فزاینده‌ای را بر روی نظم باثبات بین‌المللی و نظام جهانی مبتنی بر نظم چندجانبه حکمرانی در سال‌های اخیر به‌وجود آورده است. ماهیت چالش‌های هیبریدی برای همه دولت‌ها مستقل از اندازه و بزرگی و کوچکی آن‌ها قابل صدق است. مرز بین سیاست داخلی و خارجی دائم در حال کم و کمتر شدن است. محیط امنیتی جدید به‌طور خاص برای دولت‌های کوچک چالش برانگیزتر شده است. دولت‌های کوچک مهره‌های پیاده رقابت قدرت بزرگ هستند. دولت‌های کوچک به‌شدت نسبت به تغییرات جهانی در قدرت متاثر هستند و آن‌ها باید بر نظم بین‌المللی مبتنی بر قاعده به‌منظور حفظ حقوق خود متکی باشند. امنیت دولت کوچک وابسته به ثبات، پیش‌بینی‌پذیری و راه‌حل‌های همکارانه نسبت به مشکلات جهانی است (Brady, and Thorhallsson, 2018: 18-19).

## سیاست‌های امنیتی دولت‌های کوچک نوردیک دولت‌های کوچک نوردیک

نوردیک (Nordic) منطقه‌ای ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک، جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی در شمال اروپا است. منطقه نوردیک شامل دانمارک، فنلاند، ایسلند، نروژ و سوئد به همراه جزایر فارو و گرینلند (هر دو بخشی از پادشاهی دانمارک) و اولند (بخشی از جمهوری فنلاند)، و مجمع‌الجزایر اسوالبارد (متعلق به پادشاهی نروژ) می‌شود. منطقه نوردیک دوازدهمین اقتصاد بزرگ در جهان محسوب می‌شود، ۲۸ میلیون نفر جمعیت دارد؛ جمعیتی که نسبت به میانگین اتحادیه اروپا سریع‌تر در حال رشد است.

در پژوهش‌های پژوهشگران و نویسندگان، دولت‌های نوردیک به‌عنوان دولت‌های کوچک معرفی می‌شوند؛ بخش قابل توجهی از این تحقیقات، این دولت‌ها را بر اساس تعاریف قابلیت‌محور، دولت‌های کوچک قلمداد می‌کنند، برای مثال نگاهی به دسته‌بندی‌هایی که توره‌السن قائل می‌شوند موید تأکید بر همین تقسیم‌بندی است.

جدول شماره (۴) دولت‌ها و واحدهای سیاسی نوردیک: مقایسه متغیرهای کلیدی «اندازه»

سرانه GDP (دلار آمریکا)	ظرفیت نظامی		سرزمین (کیلومتر مربع)*	جمعیت*	کشور
	هزینه نظامی (% از GDP)***	نیروهای مسلح کارکنان****			
۵۰,۰۹۰	۱	۳۰,۵۵۰	۴۴۷,۴۳۵	۹,۹۹۵,۰۰۰	سوئد
۵۰,۵۶۴	۱٫۲	۱۶,۱۰۰	۴۲,۹۲۶	۵,۷۴۹,۰۰۰	دانمارک
۴۵,۲۰۴	۱٫۴	۲۴,۲۰۰	۳۳۸,۴۳۰	۵,۵۰۳,۰۰۰	فنلاند
۶۱,۰۳۹	۱٫۶	۲۳,۹۵۰	۳۲۳,۷۸۱	۵,۲۵۸,۰۰۰	نروژ
۵۳,۸۱۷	-	-	۱۰۳,۴۹۲	۳۳۸,۰۰۰	ایسلند
۳۷,۶۰۰	-	-	۲,۱۶۶,۰۸۶	۵۶,۰۰۰	گرینلند
۴۰,۰۰۰	-	-	۱,۳۹۶	۵۰,۰۰۰	جزایر فارو
۳۸,۲۰۰	-	-	۱,۵۸۱	۲۹,۰۰۰	آلند

source: (Thorhallsson and Elinardóttir, 2020: 114)

از نظر اولویت‌های سیاسی و سیاست‌گذاری امنیتی، دولت‌های نوردیک، با وجود ارتباطات سیاسی و اقتصادی با اروپا، روابط دوجانبه خوبی هم با اتحاد جماهیر شوروی داشتند و هم با روسیه دارند. برای مثال، همکاری نزدیکی در شورای آرکتیک، بین کشورهای نوردیک، اتحادیه اروپا، ایالات متحده آمریکا و روسیه وجود دارد.

### انتخاب‌های امنیتی دولت‌های کوچک نوردیک

در بررسی استراتژی‌های امنیتی دولت‌های نوردیک، انتخاب‌های ثابت و انتخاب‌های متغیر برجسته بوده است. انتخاب‌های امنیتی ثابت، با توجه به ماهیت ژئوپلیتیک این دولت‌ها، در دو سده گذشته ثابت بوده است با این حال، در پرتو تناوب رویدادهای بین‌المللی و شکل‌گیری گذارهای امنیتی در هندسه شکلی و محتوایی بین‌المللی (نظم بین‌الملل)، گذارهایی شبیه به فروپاشی نظم دوقطبی، گذار به محیط امنیتی جدید بعد از سال ۲۰۰۱، گذار در پرتو محیط امنیتی شرق اروپا مورد توجه بوده است، که در انتخاب‌های امنیتی این دولت‌ها تأثیرگذار بوده و سبب شکل‌گیری انتخاب‌های متغیر و متناسب با شرایط شده است.

بر این اساس، دولت‌های کوچک نوردیک، از برخی از انتخاب‌های متناسب با شرایط بین‌المللی و برخی انتخاب‌های تاریخی بهره‌مند بوده‌اند، انتخاب‌هایی شبیه به بی‌طرفی، موازنه‌سازی، منطقه‌سازی و پوشش خطر (ریسک)، جزو انتخاب‌های تاریخی دولت‌های کوچک نوردیک بوده‌اند، نگاهی به این انتخاب و اولویت در تاریخ سیاسی سوئد، فنلاند و تا حدی دانمارک بیانگر این اولویت انتخاب‌های تاریخی بوده است. علاوه بر این انتخاب‌ها و اولویت‌هایی وجود دارند که من در این مقاله آن‌ها را به انتخاب‌ها بر اساس شرایط بین‌المللی قلمداد می‌کنم، این انتخاب‌ها به اقداماتی شبیه به اتحادها و دنباله‌روی، بر می‌گردد که بر حسب مسائل امنیتی برای نوردیک‌ها به‌وجود آمده است. در این اثر این گذارها به‌صورت نهفته مورد توجه قرار گرفته است.

تحولات امنیتی در کشورهای اسکاندیناوی به‌عنوان دولت‌های کوچک، این سوال را مطرح می‌کند که چرا منطقه نوردیک از سال ۱۹۴۵ تا این حد باثبات باقی مانده و در عین حال فعالیت‌های بین‌المللی زیادی ایجاد کرده است؟ پاسخ را در سیاست‌های خردمندان، انسجام ملی این دولت‌ها و استفاده از فرصت‌هایی می‌توان یافت که اشاعه دستور کار امنیتی، برای این دولت‌های کوچک به ارمغان آورد. تاریخ، هویت و همچنین اندازه و قدرت ملی به‌عنوان



عوامل مرتبط با ثبات دولت‌های نوردیک در نظر گرفته می‌شوند. با این حال نقش نگرانی‌های امنیتی «سخت» و «نرم» جدید برای سوق دادن به سمت ادغام منطقه‌ای بی‌تأثیر نبوده و نیست (Archer et al. 2014).

در طول سال‌ها، دولت‌های نوردیک رویکردهای امنیتی متفاوتی را توسعه داده‌اند. جنگ سرد اختلافات امنیتی عمیقی را بین کشورهای شمال اروپا آشکار کرد، دانمارک و نروژ تصمیم گرفتند در برابر اتحاد جماهیر شوروی موازنه برقرار کنند و فنلاند بی‌طرف ماند (Archer, 2014). با این حال در سال‌های اخیر، این دولت‌ها عملکرد بهتری در خصوص مدیریت استراتژی‌های امنیتی نسبت به سایر دولت‌های کوچک بر عهده گرفته‌اند. علی‌رغم اینکه دولت‌های کوچک نوردیک به‌عنوان یک منطقه متحد و یک صدا در عرصه بین‌المللی تلقی می‌شوند و دولت‌های نوردیک به‌عنوان پایدارترین و یک‌پارچه‌ترین منطقه در جهان تصور می‌شوند، با این حال این کشورها همیشه به بحران‌ها واکنش یک‌سانی نشان نمی‌دهند (Hanson, 2021: 39).

بعد از اتفاقات شرق اوکراین و هجوم نظامی روسیه به این کشور، نگرانی‌های امنیتی در فنلاند و سوئد در خصوص رفتارهای مشابه روسیه در شمال اروپا، زمزمه‌ها برای انتخاب‌هایی پیوستن به ناتو را تقویت کرد که نشان دهنده اهمیت انتخاب اولویت سیاست امنیتی پناه‌جویی برای این دولت‌ها بوده است. هر یک از این استراتژی‌ها از یک هدف برای به‌دست آوردن امنیت بیشتر پیروی می‌کنند و همچنین شرایط مختلف و آسیب‌پذیری‌های کشورهای کوچک را منعکس می‌کنند (Vaicekauskaitė, 2017: 10).

## ۱) پناه

نظریه پناه‌گاه اشاره می‌کند که دولت‌های کوچک نیاز به تعقیب پناه‌گاه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دارند. آن‌چه این نظریه را تعبیر می‌کند این است که مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خاص وجود دارد که جزو ویژگی‌های ذاتی دولت‌های کوچک محسوب می‌شوند (یا مشکلاتی که دولت‌های کوچک نیاز به پناه گرفتن در خصوص آن دارند) و کنش‌های خاصی که دولت‌های کوچک به‌منظور تسکین این مشکلات اتخاذ می‌کنند؛ آن‌چه این چارچوب به‌عنوان «پناه‌جویی»<sup>۱</sup> از آن یاد می‌کند.

1. "shelter-seeking"

در این چارچوب، دولت‌های کوچک به پناه‌گاه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به‌وسیله دولت‌های بزرگ‌تر و سازمان‌های بین‌المللی به‌منظور رشد و کنار آمدن با بحران‌ها نیاز دارند. پناه‌گاه سیاسی شکلی از پشتیبانی واضح دیپلماتیک یا نظامی را در بر می‌گیرد و نوعی پوشش راهبردی دیگر در هر زمان تعیین شده نیاز ارائه شده به‌وسیله دولت دیگر یا یک سازمان بین‌المللی و حمایت ارائه شده به‌وسیله قواع یا هنجارهای بین‌المللی را در بر می‌گیرد (5, Brody). در این استراتژی دو بعد از اهمیت بسیاری برخوردار هستند؛ نخست، تأمین‌کننده پناه و دوم پناه‌جو. منظور از تأمین‌کننده پناه، دولتی یا نیروی امنیتی است که از منابع نظامی (تهاجمی)-دفاعی، اجتماعی و اقتصادی قدرت‌مندتری نسبت به دولت‌های کوچک برخوردار است.

جدول شماره (۵) پناه‌گاه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دولت‌های نوردیک و واحدهای سیاسی

نوع پناه	اجتماعی	سیاسی	اقتصادی
سوئد	EU/NC	EU	EU
دانمارک	EU/NC	EU/NATO	EU
فنلاند	EU/NC	EU	EU
نروژ	EEA/NC	NATO/Schengen	EEA/EFTA
ایسلند	EEA/NC	/NATO/US Schengen	EEA/EFTA
گرینلند	DK/NC	DK/US/NATO	DK
جزایر فارو	DK/NC	DK/NATO	DK
جزایر آلد	FI/SE/EU/NC	FI/SE/EU	EU/FI

NC: Nordic cooperation, DK: Danish Kingdom, FI: Finland, SE: Sweden.

Source: (Thorhallsson and Elínardóttir, 2020: 124)

## ۲) بی‌طرفی

در راستای اولویت، سیاست خارجی سوئد را می‌توان در "عدم تعهد در زمان صلح و بی‌طرفی در هنگامه جنگ" قلمداد کرد. بی‌طرفی سوئد تا حد بسیار زیادی در سیاست‌های امنیتی فنلاند خصوصاً در دوره بعد از جنگ سرد، تأثیر داشته است. برای مثال بعد از دوره جنگ سرد، بحث‌های بسیاری در سطح اجتماعی برای پیوستن به ناتو در سوئد و به‌طور پیوسته در

فنلاند وجود داشته است. در میان کارشناسان امنیتی اتفاق نظر وجود دارد که اگر سوئد به ناتو بپیوندد، فنلاند به سرعت از آن پیروی خواهد کرد. با این حال، یکی از موانع اصلی پیوستن به ناتو، حزب حاکم سوسیال‌دموکرات است. برخی تقویت روابط بین واشنگتن، فنلاند و سوئد و به‌طور خاص بیانیه سه‌جانبه می‌سال ۲۰۱۸ به‌منظور تعمیق همکاری دفاعی را یکی از موارد فاصله گرفتن از سیاست تاریخی بی‌طرفی این دو کشور در نظر گرفته‌اند. علاوه بر این، دولت‌های نوردیک عضو ناتو هزینه‌های امنیتی و دفاعی خود را در راستای خواسته‌های ایالات متحده و ناتو افزایش داده‌اند.

### ۳) موازنه‌سازی

پس از پایان جنگ سرد، سوئد و فنلاند، به‌عنوان دولت‌های غیرمتعهد نوردیک، با همکاری ناتو (طرح‌هایی شبیه به مشارکت برای صلح ناتو از سال ۱۹۹۴ و مشارکت در شورای اروپا آتلانتیک در سال ۱۹۹۷) و همکاری با ایالات متحده، ایجاد سطحی از روابط (خصوصاً روابط اقتصادی و سرمایه‌گذاری با چین) و احترام به اولویت‌های امنیتی روسیه، اولویت‌های امنیتی خود را مشخص کردند. از دیگر سو، موازنه‌سازی را می‌توان در قالب "موازنه نوردیک" نیز تشریح کرد. "ترتیبات امنیتی که برای انطباق با تهدیدات امنیتی و ایجاد ثبات در اروپای شمالی طراحی شده بود، به [نظام] "موازنه نوردیک" مشهور شده است و یک سوئد مسلح اما بی‌طرف، در کنار فنلاند که "رابطه ویژه" با مسکو داشت در جناح چپ مایل به شرق و دانمارک و نروژ که با عضویت "کم‌جان" ناتو در جناح غربی قرار داشتند را در بر می‌گرفت" (آرتز، ۲۰۱۴: ۴۷۴). با این حال "فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و فروپاشی نظام امنیتی دوقطبی جنگ سرد، نشان‌دهنده پایان موازنه نوردیک بود. هم اتحادیه اروپا و هم ناتو تا مرز روسیه گسترش یافتند و فنلاند و سوئد غیرمتعهد از طریق برنامه مشارکت برای صلح، یک رابطه کاری نزدیکی را با ناتو توسعه داده‌اند" (آرتز، ۲۰۱۴: ۴۷۴).

### ۴) منطقه‌سازی

تلاش‌ها برای منطقه‌سازی راهبردی به زمان اتحادیه کالمار ۱۴۹۷-۱۵۲۳ بر می‌گردد. با این حال عمده تحولات جدید به دوره جنگ سرد و معطوف است، در طول دوره جنگ سرد، همکاری نوردیک، در وهله نخست متمرکز بر مسائل اقتصادی منطقه بود که ابتکار نوردک

در این بستر قابل تشریح است، با شکست ابتکار نوردیک که مسئول اصلی آن پکا ککونن رئیس‌جمهور فنلاند بود که اولویت‌های امنیتی شوروی را در رد منطقه‌سازی اقتصادی نوردیک دخیل کرده بود، ابتکار بعدی «ابتکار عمل شمال» در سال ۱۹۹۷ به‌وسیله فنلاند در پاسخ به درخواست اجلاس دویلین اتحادیه اروپا در دسامبر سال ۱۹۹۶ ارائه شد. منطق آشکار ابتکار عمل شمال، ارتقاء ثبات و توسعه اجتماعی-اقتصادی در دو منطقه فرعی از شمال بود؛ یعنی دریای بارنتز و دریای بالتیک (آرتر، ۱۴۰۰: ۵۰۰).

این اقدام برای تقویت نفوذ نوردیک به‌عنوان یک بازیگر سیاسی از طریق هماهنگ کردن ابتکارات مختلف بین‌المللی که در دهه ۱۹۹۰ در آن جا ظهور کردند، طراحی شد. ابتکار فنلاند بر نیاز به بهبود همکاری بین اتحادیه اروپا و سازمان‌های خارجی هم‌چون شورای منطقه‌ای بارنتز اروپا-شمالگان و شورای کشورهای دریای بالتیک از یک‌سو و افزایش هماهنگی بین برنامه‌ها و ارکان مختلف اتحادیه اروپا تأکید دارد (Arter, 2002: 677). علاوه بر این منطقه‌سازی را می‌توان در قالب همکاری‌های دفاعی نوردیک<sup>۱</sup> مورد توجه قرار داد. در سال‌های اخیر، هر پنج دولت نوردیک علاقه خود را برای پیشبرد همکاری خود در نوردیفکو (NORDEFKO) ابراز کرده‌اند، هرچند به درجات مختلف. با این حال نقش سوئد و فنلاند در این پی‌گیری بیشتر بوده است.

دلایل متعددی برای این علاقه ایجاد شده وجود دارد، از ضرورت راهبردی گرفته تا عوامل ژئوپلیتیکی و اقتصادی. نوردیفکو که در سال ۲۰۰۹ ایجاد شد، یک چارچوب سازمانی جامع برای همکاری در زمینه امنیت و دفاع است. این نتیجه تحولات در محیط امنیتی جهانی، به‌ویژه دلایل عملی و اقتصادی، از نظر متوازن‌سازی هزینه‌های افزایش یافته فن‌آوری دفاعی و حفظ یک نیروی نظامی فعال است. با این حال، افزایش علاقه راهبردی بین‌المللی به منطقه نوردیک، به‌ویژه در ایالات متحده در دوران ریاست‌جمهوری اوباما، از منافع مجدد مقامات نوردیک نیز حمایت کرده است (Harris, 2016). با این حال انتقادات آمریکا در زمان دونالد ترامپ می‌تواند یکی از دلایل توجه به ترتیبات درون منطقه‌ای باشد. علاوه بر این ممکن است وجود یک روسیه تهاجمی‌تر نوردیک‌ها را به این سمت سوق دهد. از آنجایی که دولت‌های کوچک با احترام به قوانین و هنجارهای بین‌المللی به قدرت‌های بزرگ متکی هستند، الحاق

1. Nordic Defence Cooperation (NORDEFKO)

کریمه به روسیه و ادامه درگیری در شرق اوکراین به عنوان یک تهدید جدی برای حاکمیت کشورهای نوردیک تلقی می‌شود.

این با تحریکات روسیه در منطقه تقویت می‌شود، تمرین نظامی زاپاد ۱۷<sup>۱</sup> در سپتامبر سال ۲۰۱۷ بارزترین و جدی‌تری مثال است (Economist, 2017)، و همچنین افزایش قابل توجه ترافیک زیردریایی روسیه در آب‌های اقیانوس اطلس شمالی و قطب شمال است که از زمان جنگ سرد به بعد به بالاترین میزان خود رسیده است (Woody, 2018a, 2018b). با این حال تهدید دیگری که مشاهده می‌شود، تداوم نقض حریم هوایی جت توسط جت‌های جنگنده روسی در منطقه است (Nardelli & Arnett, 2015)، و همچنین حمله اخیر سلاح‌های شیمیایی در سالزبری، بریتانیا در مارس سال ۲۰۱۸. همه این‌ها از نگرانی‌های یک روسیه تهاجمی‌تر و قاطع‌تر، در زمانی که به‌نظر می‌رسد ایالات متحده کمتر مایل به کمک کردن است، شروع شده است (Rogin, 2018; Woody, 2018c).

### ۵) پوشش خطر (ریسک)<sup>۲</sup>

سیاست یا استراتژی پوشش ریسک، در سال‌های اخیر در ادبیات و گفتمان روابط بین‌الملل، برجسته شده است. پوشش ریسک، معمولاً در این بستر مطالعاتی به یک استراتژی امنیت ملی یا صفت‌بندی ملی اطلاق می‌شود که توسط یک دولت نسبت به دیگری انجام می‌شود و ترکیبی از عناصر همکاری و تقابل را در بر می‌گیرد. این سیاست، غالباً در تضاد با موازنه‌سازی یا دنباله‌روی قرار می‌گیرد. ایده پوشش ریسک، زمانی مطرح شد که محققان پویایی‌های بدیع سیاست بین‌الملل را در دوره پس از جنگ سرد بررسی کردند و رویکردهای نظری غالب را ناکافی یافتند (Ciorciari, 2019: 367). پوشش خطر (ریسک) احتمال ضررهای هنگفتی که ممکن است یک بازیگر در محیط پرنوسان امنیتی متحمل شود را کاهش می‌دهد.

به همین دلیل پوشش خطر (ریسک)، باید در چارچوب طیف «موازنه‌سازی-دنباله‌روی» در نظریه «موازنه قدرت» درک شود، که در آن پوشش خطر (ریسک)، مابین موازنه‌سازی و دنباله‌روی و به‌عنوان انتخاب راهبردی سوم یک دولت در نظر گرفته می‌شود. برای شناسایی رفتار راهبردی دولت‌ها، نخست باید توانمندی‌های اقتصادی و نظامی آن‌ها را بررسی کرد و اگر

1. Zapad-17 military exercise

2. Hedging

این شاخص‌ها به اندازه کافی برای شناسایی رفتار موازنه‌سازی، دنباله‌روی یا رفتار پوشش خطر (ریسک)، تعیین‌کننده نیستند، عوامل دیپلماتیک باید در نظر گرفته شوند (Koga, 2018: 633). با پیروی از تسمن و ولف (Tessman & Wolfe, 2011: 220) ما به این فرض عمل می‌کنیم که سازوکاری برای تصمیم‌گیری در مورد زمانی که رفتار راهبردی پوشش خطر (ریسک) در نظام بین‌الملل رخ می‌دهد وجود دارد. این سازوکار از چهار معیار تشکیل شده است. رفتار دولت ثانویه<sup>۱</sup>، باید این معیارها را برآورده کند تا به‌عنوان موردی از پوشش خطر (ریسک) راهبردی در نظر گرفته شود:

۱) بهبود توانایی رقابتی در پیش‌بینی رویارویی نظامی با رهبر نظام (پوشش خطر (ریسک) نوع الف)، و/یا افزایش ذخایر راهبردی کالاهای عمومی برای چشم‌پوشی از کمک‌های جاری ارائه شده توسط رهبر نظام (پوشش خطر (ریسک) نوع ب)

۲) از تحریک مستقیم یا رویارویی مستقیم رهبر نظام چه از طریق وارد شدن به اتحادهای نظامی علیه رهبر نظام (موازنه‌سازی خارجی) و چه از طریق افزایش زرادخانه نظامی تحریم آمیز (موازنه‌سازی داخلی) خودداری کند.

۳) پوشش خطر (ریسک) راهبردی باید به‌طور متمرکز در بالاترین سطوح دولتی هماهنگ شود، چرا که به موضوعات مهم مرتبط با منافع امنیت ملی کشور پوشش‌دهنده می‌پردازد.

۴) دولت پوشش‌دهنده خطر (ریسک) باید آماده پذیرش هزینه‌های داخلی و بین‌المللی در کوتاه مدت به‌عنوان بخشی از پوشش خطر (ریسک) استراتژیک باشد (Salman & Geeraerts, 2013: 4-5).

نروژ خطر امنیتی را با مجموعه‌ای از استراتژی‌ها پیش برده است. استراتژی پوشش خطر (ریسک) (هدجینگ) را از طریق تنوع‌بخشی محیط امنیتی مدیریت کرده است. بنابراین نروژ به‌جای تمرکز بر روی یک استراتژی واحد، مجموعه‌ای از سازوکارهای سیاسی و امنیتی را مورد توجه قرار داده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: ۱) نروژ خطرات را با استراتژی پناه‌گاه به‌وسیله متنوع‌سازی سازوکارهای امنیتی و سیاسی خود دنبال کرده است؛ ۲) داشتن یک اتحاد رسمی با ایالات متحده آمریکا از طریق سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)؛ ۲) سیگنال فرستادن در خصوص میل به فعال بودن در دفاع و هزینه‌های دفاع؛ ۳) هنجارهای

1. second-tier state

بین‌المللی حمایت‌کننده و تقویت‌کننده به‌طور گسترده جذاب ایالات متحده؛ (۴) درگیری در فعالیتهای حافظ صلح در مناطق بی‌شمار در ارتباط با منافع ایالات متحده؛ برخلاف بسیاری از قدرت‌های کوچک، نروژ از قدرت نرم خود برای حمایت از هنجارهای بین‌المللی فقر بین‌المللی و حفاظت از صلح استفاده می‌کند (Brady, and Thorhallsson, 2018: 18-19)؛ (۵) ایجاد ارتباطات با سیاست‌های داخلی ایالات متحده و (۶) انرژی دادن به دیاسپورای نروژی-آمریکایی به‌منظور ایجاد حساسیت و وابستگی در درون ایالات متحده نسبت به وقایع نروژ؛ (۷) سرمایه‌گذاری‌های نروژ در دفاع؛ (۸) نروژ به‌عنوان یک عضو مؤسس ناتو اغلب روابط حیاتی و اتحادهای خود را امن کرده است؛ نروژ به‌عنوان یک عضو دیرین، در معماری ناتو در آمیخته است و رویه تعامل را با شرکای ناتو توسعه داده است. علاوه بر این ایالات متحده همچنین نزدیک‌ترین متحد نروژ باقی می‌ماند و به‌طور قابل ملاحظه‌ای حضور نیروهای نظامی خود را در خاک خود افزایش می‌دهد (Haugevik & Sending, forthcoming). لازم به توجه است که این انتخاب به‌طور خاص در شرایط بعد از حمله روسیه به اوکراین (دو حمله سال ۲۰۱۴ به کریمه و حمله سال ۲۰۲۲ به شرق اوکراین) مورد توجه نوردیک‌ها (به‌طور خاص سوئد و فنلاند) بوده است.

## ۶) اتحادها

از زمان پایان جنگ سرد، دانمارک به‌سمت یک سیاست خارجی نظامی‌تر تغییر جهت داده است که این موضوع در عین حال بیانگر نوعی از تعمیق روابط بین دانمارک و ایالات متحده است. شاید تأثیر پر اهمیت گرینلند، برای این تعمیق روابط بتواند تا حدی زیادی این وضعیت جدید را توضیح دهد. هر دو کشور دانمارک و ایالات متحده در این منطقه منافع دارای حساسیت بالایی را دنبال می‌کنند و نقش و اهمیت یعنی پایگاه هوایی-راداری-ارتباطاتی (ماهواره‌ای) توله ایالات متحده آمریکا است از اهمیت بسیار زیادی در این منافع مشترک برخوردار است. علاوه بر این نفوذ چین در گرینلند، ضرورت همکاری و هماهنگی دانمارک را بیشتر کرده است. چیزی که در قالب اتحاد بین ایالات متحده آمریکا و دانمارک قابل تشریح است. به‌طور مشابهی ایسلند از لحاظ تاریخی روابط دوجانبه و قوی با ایالات متحده آمریکا داشته است که از سال ۱۹۵۱ با آن یک توافق‌نامه دوجانبه دفاعی داشته است (Bailes & Thorhallsson, 2006). گفتنی است این انتخاب همواره در یک سده گذشته به‌وسیله نوردیک‌ها مورد توجه بوده است.

## نتیجہ گیری

روابط بین الملل، صرفاً روابط دولت‌ها یا قدرت‌های بزرگ نیست، بخش قابل توجهی از دولت‌ها در سازمان ملل متحد، و نزدیک به دو سوم دولت‌ها در ناتو، دولت‌های کوچک هستند، بررسی رفتارها و اولویت‌های سیاست امنیتی این دولت‌ها از جایگاه ویژه‌ای در ادبیات روابط بین الملل برخوردار است. دولت‌های کوچک نوردیک از جمله دولت‌های کوچکی هستند که نقش حائز اهمیتی در روابط بین الملل دارند، دولت‌هایی که اگرچه کوچک، اما به‌عنوان ابرقدرت‌های اخلاقی در نظر گرفته می‌شوند. اهمیت این دولت‌ها هنگامی بیشتر می‌شود که نقش متغیر و عنصر روسیه و ایالات متحده در انتخاب‌های راهبردی آن‌ها بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

هم از این رو، انتخاب‌هایی شبیه به بی طرفی، موازنه‌سازی، منطقه‌سازی، زیرمنطقه‌سازی، پناه‌سازی، دنباله‌روی و اتحاد با قدرت بزرگ یا نهاد‌های نظامی-امنیتی از جمله انتخاب‌های استراتژیکی بوده است که این دولت‌ها در دوره‌های زمانی متعدد، از جمله بعد از جنگ سرد برگزیده‌اند. انتخاب‌هایی که با استمساک به قالب روندپژوهی، می‌توان نقش آن‌ها را در آینده اولویت‌های سیاست امنیتی این دولت‌ها نیز حائز اهمیت قلمداد کرد. در میان نوردیک‌ها، فنلاند و سوئد تا به امروز، تصمیم گرفته‌اند در مسیر سیاست‌های امنیتی تاریخی خود قرار داشته باشند، هم از این رو اولویت‌های سیاسی آن‌ها در مسیر بی طرفی، موازنه‌سازی، منطقه‌سازی، و پوشش خطر (ریسک) و خارج از مسیر دنبال‌روی و اتحادها قرار داشته است. با این حال دانمارک، نروژ و ایسلند، به این سبب که اعضای بنیان‌گذار ناتو هستند و ژئوپلیتیک آتلانتیک‌گرایانه‌ای را در سیاست‌های امنیتی خود دنبال می‌کنند، روز را دنبال کرده‌اند؛ یعنی دنباله‌روی، اتحادها.



## منابع

- آرتر، دیوید (۱۴۰۰)، سیاست و حکومت در اسکاندیناوی، ترجمه رضا رحمتی، همدان: انتشارات دانشگاه بوعلی سینا.
- عسگرخانی، ابومحمد و رضا رحمتی (۱۳۸۹)، بررسی امنیت بین‌الملل، در گذار از نظریه واقع‌گرایی به پسانوگرایی، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۲۴: ۲۱۳-۲۴۲.
- Archer, C., (2014), *The Nordic States and Security*. In: Bailes, A.J., Wivel, A., Clive, A. ed. *Small States and International Security: Europe and Beyond*. Routledge, pp. 95-112.
- Archer, C., Bailes, A. J. K., Wivel, A., (2014), *Small States and International Security: Europe and Beyond*. Abingdon: Routledge.
- Arter, David (2002), “Small State Influence within the EU: The Case of Finland’s ‘Northern Dimension Initiative’ *Journal of Common Market Studies (JCMS)*, Volume 38, Issue 5, 677-697.
- Bailes, A., & Thorhallsson, B. (2006), *Iceland and the European security and Defence policy*. In A. J. Bailes, G. Herolf & B. Sundelius (Eds.), (pp. 328-348). UK: Oxford University Press.
- Brady, Anne-Marie and Balder Thorhallsson (2018), *Small States and the New Security Environment*, springer.
- CIA. (2018b, 22 August 2018), *The World Factbook: Greenland*. Retrieved from <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/gl.html>
- Economist. (2017), *Deterring the bear: As Russia threatens, Sweden ponders joining NATO*. Retrieved from <https://www.economist.com/europe/2017/09/21/as-russia-threatens-sweden-ponders-joining-nato>
- Grunfelder, Julian & linus rispling and Gustaf Norlen (2018), “state of the Nordic region 2018: theme 3: economy”, Nordic council of ministers.
- Hanson, Pia and Stefánsdóttir Auður Birna (2021) “Nordic Solidarity and COVID-19”, *Small States & Territories*, 4(1), 2021, 29-44.

- Harris, G. (2016, 17 May 2016), Obama warms up to Nordic leaders. Retrieved from <https://www.nytimes.com/2016/05/14/world/europe/obama-warms-to-nordic-heads-of-state.html>
- Haugevik, K., & Sending, O.J. (forthcoming). Norwegian foreign policy in a hypocritical world:
- Inbar, E., Sheffer, G., 1997. The National Security of Small States in a Changing World. London: Frank Cass Publishers.
- Ingebritsen, Christine and Iver Neumann, Sieglinde Gsthl (2016) Small States in International Relations, university of Washington press.
- Jakobsen, Peter Viggo (2008) "Small States, Big Influence: The Overlooked Nordic Influence on the Civilian ESDP" Journal of Common Market Studies (JCMS), Volume 47, Issue 1, 81-102.
- Jaquet, L., 1971. The Role of a Small State Within Alliance System. In: Schou A. and Brundtland A.O., ed. Small States in International Relations. Wiley-InterScience.
- John D Ciorciari, Jürgen Haacke, Hedging in international relations: an introduction, , Volume 19, Issue 3, September 2019, Pages 367–374, <https://doi.org/10.1093/irap/lcz017>
- Kei Koga, The Concept of "Hedging" Revisited: The Case of Japan's Foreign Policy Strategy in East Asia's Power Shift, , Volume 20, Issue 4, December 2018, Pages 633–660, <https://doi.org/10.1093/isr/vix059>
- Keohane, R.O. (1969) Lilliputians dilemmas – Small states in international politics. International Organization 23: 291–310.
- Kurečić, Petar et al. (2017), "Revisiting the Definition of Small State through the Use of Relational and Quantitative Criteria," in Goran Kozina, Laura Juznik Rotar, and Daniel Tomic (eds.), 19th International Scientific Conference on Economic and Social Development Book of Proceedings, (Melbourne: Varazdin Development and Entrepreneurship Agency, 2017), pp. 129-142.
- Luša, Đana. (2021), Small States: "The Gatekeepers" of EU Borders During the Migration Crisis. 10.1007/978-3-030-66203-5\_10.

- Matthias Maass (2009) "The elusive definition of the small state", *International Politics* Vol. 46, 1, 65–83
- Mouritzen, H. and A. Wivel (2005), *The Geopolitics of Euro-Atlantic Integration*. Routledge, London.
- Nardelli, A., & Arnett, G. (2015), NATO: Airspace violations and jet scrambles are surging. Retrieved from <http://uk.businessinsider.com/nato-airspace-violations-and-jet-scrambles-are-surging-2015-8?r=US&IR=T>
- Neumann, I.B. and S. Gstöhl (2004), *Lilliputians in Gulliver's World? Small States in International Relations*. Working Paper 1-2004. Centre for Small State Studies, Institute of International Affairs. University of Iceland, Reykjavik.
- Nordisk Ministerråd. (2017), *Nordic Statistics 2017*. Copenhagen: Nordisk Ministerråd. Retrieved from: <http://norden.diva-portal.org/smash/record.jsf?pid=diva2%3A1146911&dswid=8728>
- OECD. (2018a), *Gross domestic product (GDP) (indicator)*.
- Rahmati, R. (2020), *Geo-Economics and Reshaping the Regional Order (Nordic, Southeast Asia and MENA)*. , (1), 151-179.
- Rahmati, R. (2020), *Nordic Securitization Model: Transition of Environment from securitizing to Normalizing*. *Strategic Studies Quarterly*, 22 (86): 123-150.
- Rahmati, R. (2021), *Configuration of Basic Principles of Development in the Nordic Model*. , (1), 195-235.
- Rhetorical change, stability in actions .
- Rogin, J. (2018, 26 June 2018), *Biden: European leaders reeling from Trump's hostile behaviour*. Retrieved from [https://www.washingtonpost.com/news/josh-rogin/wp/2018/06/26/biden-european-leaders-reeling-from-trumps-hostile-behavior/?utm\\_term=.b634cb9ec0a0](https://www.washingtonpost.com/news/josh-rogin/wp/2018/06/26/biden-european-leaders-reeling-from-trumps-hostile-behavior/?utm_term=.b634cb9ec0a0)
- Salman, Mohammad & Gustaaf Geeraerts (2013) "The Impact of Strategic Hedging on the Foreign Politics of Great Powers: The Case of Chinese Energy Strategy in

- the Middle East” China Goes Global 2013 –September 25-27, Bremen, Germany.
- SIPRI. (2018), Military expenditure by country as percentage of gross domestic product, 2003-2017 (Data for all countries from 1988–2017 as a share of GDP). Available from SIPRI SIPRI Military Expenditure Database Retrieved 25 May 2018, from SIPRI [https://www.sipri.org/sites/default/files/3\\_Data%20for%20all%20countries%20from%201988%E2%80%932017%20as%20a%20share%20of%20GDP.pdf](https://www.sipri.org/sites/default/files/3_Data%20for%20all%20countries%20from%201988%E2%80%932017%20as%20a%20share%20of%20GDP.pdf)
  - Tessman, B. and W. Wolfe (2011), “Great Powers and Strategic Hedging: The Case of Chinese Energy Security Strategy.” *International Studies Review* 13(2): 214-240.
  - The commonwealth (2022) “small states” available in: <https://thecommonwealth.org/our-work/small-states>
  - Thorhallsson, B. & Gunnarsson, P. (2017), Iceland’s alignment with the EU–US sanctions on Russia: autonomy versus dependence. (3), 307-318.
  - Thorhallsson, Baldur. (2017), Small States in the UNSC and the EU: Structural Weaknesses and Ability to Influence. 10.1007/978-3-319-39366-7\_3.
  - Tungul, Lucie. (2008), The Power of Small States in the European Union: The Case of Finland and Northern Dimension. 5-22.
  - Vaicekauskaitė, Živilė Marija. “Security Strategies of Small States in a Changing World” *Journal on Baltic Security*, vol.3, no.2, 2017, pp.7-15. <https://doi.org/10.1515/jobs-2017-0006>
  - Vaicekauskaitė, Živilė Marija. “Security Strategies of Small States in a Changing World” *Journal on Baltic Security*, vol.3, no.2, 2017, pp.7-15. <https://doi.org/10.1515/jobs-2017-0006>
  - Vital, D. (1967), *The Inequality of States, A Study of the Small Power in International Relations*. Oxford, UK: Clarendon Press.
  - Vital, D. (1971), *The Survival of Small States. Studies in Small/Great Power Conflict*. Oxford, UK: Oxford University Press.
  - Wivel, Anders & Godfrey, Baldacchino (2020), *Small States: Concepts and Theories*.

10.4337/9781788112932.00007.

- Woody, C. (2018a), Russia has ‘stepped on the gas’ with its submarine fleet; and NATO is on alert. Retrieved from <http://uk.businessinsider.com/russia-submarine-warfare-increasing-focus-2018-4?r=US&IR=T>
- Woody, C. (2018b), Russian submarine activity in the North Atlantic has reportedly ‘increased tenfold,’ and the UK is struggling to keep up. Retrieved from <http://www.businessinsider.com/russian-submarine-activity-increasing-around-uk-and-in-north-atlantic-2018-5?IR=T>
- Woody, C. (2018c), Trump reportedly is joking about pulling the US military out of NATO, and no allies are laughing. Retrieved from <http://uk.businessinsider.com/trump-reportedly-is-joking-about-pulling-the-us-out-of-nato-2018-6?r=US&IR=T>
- WorldBank. (2018), Military expenditure (% of GDP). Available from Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI), Yearbook: Armaments, Disarmament and International Security. Retrieved from <https://data.worldbank.org/indicator/MS.MIL.XPND.GD.ZS>